

رینوس و خویندنه وهی کوردى

به شیوهی زانستی

hawargaykteb

هوارگهی کتیب

لەشی (٢)

نووسر : مستهفا ئىلخانىزاده

رینووس و خویندنهوهی کوردی

به شیوهی زانستی

بهشی (۲)

نووسه‌ر: مستهفا ئیلخانی‌زاده

«ل» قەلەو (درشت) و «ل» لاواز (خفیف)

در گُردي دو نوع ل داريم يکى ل لاواز که تلفظ آن همانند ل در زبان فارسي است مانند: لينو - مل - بلوير - كل.

ديگري ل قەلەو که در فارسي وجود ندارد و مخصوص گُردي است و در زبانهاي تركي آذربايچاني و انگليسى وجود دارد مثال گُردي : مال - كال - كوليyo - كولهکه - شالاو.

برای تشخيص (ل) قەلەو از ل لاواز بر روی آن علامت (۷) قرار می دهیم. در زبان تُركى آذربايچاني این تلفظ وجود دارد مانند: **مال** و **كال** و در زبان انگلیسی هر گاه دو حرف LL پشت سر هم بیايند تلفظ مشابه ل قەلەو گُردي را ایجاد می نمایند مانند: **SHALL** - **CALL**

حرف (ل) قەلەو يا درشت هيچ وقت در اول کلمات نمی آيد و تمام (ل) اول کلمات ل لاواز يا خفييف است مانند:

لينو - لوروه .

باب و کاتب به نهاداني مردن	بيوري سهريه رزنييه واي لينكردن
هدر كەسىن به رزه فره زوو دەمرى	باي بلندايى سەر و دەن دەگرى
مالى ئىيوه كە لۇونتكەي كېيىوه	لاي جن و دىيوه به ئاي زور پىته
ھەۋار	«ھەۋار»

حرف [ر] (قهقهه و درشت)

چنانچه نوک زبان به ابتدای سقف زبان چسبیده و به پشت دندانهای فوقانی برسد، تلفظ این حرف ممکن خواهد بود، در حالیکه برای تلفظ [(ر) لاواز - خفیف] می‌بایست نوک زبان را به پشت دو دندان وسط بالایی نزدیک کرد.

در زیان گردی همه کلماتی که با حرف (ر) شروع می‌شود حتماً (پ) درشت است عده‌ای را عقیده بر این است که برای حفظ زیبایی کلمه بهتر است علامت^(۷) بر روی (ر)های اول کلمات گذاشته نشود ولی عده‌ای معتقد هستند^(۷) از اختصات (ر) قهقهه و یا درشت می‌باشد و باید بر روی (پ)های اول کلمات نیز علامت^(۷) گذاشت البته امروزه بخاطر مسایل حروفچینی علامت^(۷) را در زیر (پ) قرار می‌دهند. چند مثال برای پ درشت: روز - ریوی - کور - غمه‌رمه.

نه و هدموو زولفه به زنجیری همکه بتو منی همه‌زار
پیره که رویشکن له گور که وتبن ډاویکی به سه

میرزا برايم(ى) نهفخه‌م

شاعير و نووسه‌ري کورد، له سالى ۱۳۰۵ کوچى هه‌تساوي له شاري بؤکان له دايک بووه. خويندنى خوي له لاي برای گهوره‌ي ميرزا عه‌بدولت(ى) نهفخه‌م دسپيکردووه و پاشان موقعه‌داده ماتى سه‌رف و نه‌حو و نه‌دهبى فارسى له لاي برای زاناي حاجى مه‌لا هادى نهفخه‌مزاده خويندووه و له سالى ۱۳۲۶ وەك فدرمانبه‌ر له نيداره‌ي دارايسى دامه‌زراوه و له سالى ۱۳۶۲ له شاري بؤکان خانه‌نشين کراوه و له سالى ۱۳۷۴ هەر لەو شاره کوچى دوايى کردووه.

ميرزا برايم مرۆڤيکى ماندوو نه‌ناس و دلسوز بووه و له ماوهى ژيانى خويدا هه‌ولىکى زوري بۆ کوكردنده‌وهی ميزۇو و جوغرافيا و كەله پورى گەله‌كه‌ي داوه و توانيویه‌تى نەم به‌رهه‌مه به ترخانه بخولقىنى :

- ۱- ديوانى نهفخه‌م (شىعر)
- ۲- ديارى نوى (شىعر)
- ۳- تاريخ فرهنگ و ادب موکريان (بۈگان)
- ۴- تاريخ و فرهنگ و ادب مکريان (مەباباد - اشنویه - سودشت)
- ۵- قيام ملا خليل و رد فرمان رضاخان
- ۶- قيام سمايل ئاغا شاكا
- ۷- بنده‌تى مەتەتى کوردى (لىكۈننەوه)
- ۸- نەوه چېھە (قۇنكىلۇن)
- ۹- فيقىقى شافىعى به هەلبەست.

نەم شاعيره بۆ يەكم جار لە ميزۇوی نه‌دهبى کورديدا لە به‌شىكى زور لە شىعره‌كابىدا به شىوه‌تەنلىز(گەپ و گائته‌جان رەشت و ئاكارى خراپ و دىزىوى كۆمە لىكا دەخانه بەر پرسىيار و پەلامان، و دەكرى بىكوتى، داهىنەرى نەم شىوه شىعره بەرپىز ميرزا برايم(ى) نهفخه‌مى بىن. لە بنەرهتى مەتەتى کورديشا سەرچاوه و بنچىنەي به‌شىك لە مەتەتە کوردىيەكان روون دەكاته‌وه.

تمرینات درس هفتم

- ۱- چرا همزه یک حرف بیصدا است؟
- ۲- ده کلمه بنویسید که در آن همزه وجود داشته باشد؟
- ۳- این کلمات را با رسم الخط گُردی بنویسید:
- | | | | | | |
|-----|-----|-----|-------|-----|-------|
| (۱) | آرد | (۲) | آش | (۳) | اخلاق |
| (۴) | بدآ | (۵) | آرگان | (۶) | مایوس |
- ۴- پنج کلمه بنویسید که (ر) خفیف(لواز) در آن وجود داشته باشد.
- ۵- پنج کلمه بنویسید که (و) درشت(قهقهه) در اول آن باشد و پنج کلمه بنویسید که (و) درشت(قهقهه) در وسط یا آخر آن باشد.
- ۶- ده کلمه بنویسید که در آنها حرف (ف) بکار گرفته شده باشد.
- ۷- ده کلمه بنویسید در آنها حرف (ل) خفیف، لواز] به کار گرفته شده باشد.
- ۸- ده کلمه بنویسید در آنها از [ل] درشت - قهقهه استفاده شده باشد.
- ۹- ده کلمه بنویسید که در آنها از [ل] درشت - قهقهه استفاده شده باشد.

کلمات خارجی که در زبان گُردی وارد شده‌اند

چطور باید نوشته شوند؟

در زبان گُردی از زبانهای دیگر و بیشتر از همه از زبان عربی کلمه وارد شده است. حال باید این کلمات با چه رسم الخطی نوشته شوند.

چنانچه قبلًاً گفتیم تعدادی از حروف مخصوص عربی مانند: ط - ظ - ض - ذ - ث - ص. در زبان گُردی چنین نوشته می‌شوند.

ت	به عوض ط
ز	به عوض ظ.ض.ذ
س	به عوض ث.ص

نوشته می‌شود و بجای اعراب از حروف استفاده می‌کنیم یعنی به جای فتحه از «ه» بجای کسره از «ی» و بجای ضمه از (ف) استفاده می‌کنیم و با توجه به نکات بالا تقریباً ۵۰٪ نوشتن رسم الخط گُردی را آموخته‌ایم.

در مورد نوشتن کلمات عربی در زبان گُردی دو نظریه ارایه شده است. یکی اینکه کلمات عربی که حروف مخصوص

ریج دارند با همان حروف نوشته شده و در نوشتن آنها از قواعد مخصوص رسم الخط عربی استفاده شود که البته به عقیده ما این طرز نوشتن درست نیست زیرا در نوشتن یک زبان فقط باید از یک نوع الفبا استفاده شود این غلط در نوشتن زبان گُردی با الفبای لاتین بیشتر محسوس است برای مثال کلمه عربی صلح با رسم الخط گُردی با الفبای عربی سُوْح و با الفبای لاتین ^{sulh} نوشته می‌شود که چون الفبای لاتین و گُردی از لحاظ شکل کاملاً جدا هستند این تفاوت به خوبی آشکار بوده و لزوم نوشتن کلمات عربی با الفبای گُردی را بخوبی مشخص می‌سازد.

در مورد نوشتن تشدید در زبان گُردی چون در نوشتن زبان گُردی کاملاً از شیوه‌ی فونتیک استفاده می‌شود و کلمات چگونه تلفظ می‌شوند همانگونه هم نوشته می‌شود در بخش کردن کلمات مشدد تکرار حرف مشدد کاملاً محسوس است پس باید به جای نوشتن تشدید بر روی حرف آنرا دوبار نوشت مانند:

بزّاز — بهزّاز

عبدالله — عَبْدُ الله

مصلح الدّين — مُصلِحُ الدِّين

در گُردي کلمات مشدد کم داریم و می توان در نوشت
کلمات مشدد که گُردي هستند هم با تکرار حرف و هم
بدون آن نوشته مانند: خللوور خلور

در نوشت کلمات بیگانه هر کلمه‌ای که از زبان بیگانه وارد
گُردي شود باید تمام قواعد زبان گُردي (از لحاظ فونولژی -
مورفولوژی و اورتوگرافی) (فونتیک - صرفونحو و
رسم الخط) را بپذیرد مثلاً کلمه‌ی تهماته انگلیسی که تغییر
یافته‌ی تومینیتوی انگلیسی یا تهواو که تغییر یافته‌ی تمام
عربی و ظاقل که تغییر یافته‌ی عاقل عربی است از نظر
ساختاری تغییر پیدا کرده و به مرور در زبان گُردي ثبیت
شده‌اند همچنین اگر برای چیزی دو کلمه بیگانه و خودی
باشد باید از کلمه‌ی خودی استفاده شود.

۱- در بعضی از لهجه‌های گُردي چنانچه حرف «ک» در جلو
یکی از حروف(ی - ئ - وی) قرار گیرد تلفظی مابین (کوچ)
پیدا می‌کند که به آن ک کلور(اجوف) می‌گویند مانند:

کیسه - کیله - کتیر - کویستان

همچنین (گ) نیز اگر در جلو حروف(ی - ئ - وی) قرار
گیرد تلفظی میان (گ و چ) پیدا می‌کند مانند:
گیسک - گیشه - گتیره - گوتی - هنگوین - نینگوین.

سەيد تاھير ھاشمی

شاعیر، لیکۆندر و خەتخۇش بەناوبانگى كورد، بە گۈزىرەت نووسراوی خۇي لە كتىپىن «ھەوارگەت دىنان»دا لە سالى ۱۳۲۲ ئى كۆچى مانگى لە دىنى دەولەتتىداوا سەر بە ناوجەت رووانسەرى شارستانى پاوهى پارىزگاي كرماشان لە دايىك بۇوه. باوکى «سەيد قەيدار» لە بىندەمانلىقى ساداتى سۆتەيى بەرزىنجى و دايىكى «ئەختەر خانم» كچى فەتاحبەگى سەردار نەكىرم لە بەگزەدەكانى جافى جوانقۇن.

لە دەولەتتىداوا لە لای مەلا رەحىيىن سەنەتى و بىرای گەورەت خۇي سەيد وەجىيەددىن و مەلا فەيزۇلتىاي دۇلتاپى خۇتنىدوپەتى و لە تەمنى شازىدە سائىدا دەستى بە كوتىنى شىعىرى فارسى و كوردى كردووه و بسووهتە شاعىرىتكى ياش و نەڭدەن بەرنامەتى كوردى رادىق كرماشانىش ھاواكاري كردووه و بەرنامەيدەكى بە ناوى ھەوارگەت دىنان پېتشكەش كردووه و وتارىتكى زۇرىشى سەبارەت بە شىئۇر و نەھەب نووسىيۇ. بە تايىھەت لە شىكردنەوهى شىعەركانى مەولەتى تاومگۈزى زۇر شارەزا بۇوه و نە ساغ كردنەوه و مانالىيدانى شىعەركانى مەولەتى يارمەتى مامۇستا مەلا عەبدۇلکەریپى مودەپپىسى داوه بۇ ئامادە كردى دىيانى مەولەتى.

دۇ كتىپ لە شۇتنەوارەكانى نەۋ زانايىه بە ناوبانگانى ھەوارگەت دىنان(شىئۇ) و «مناقب اهل بىست از دىندىگاه اهل سنت» چاپ كراون.

نەۋ زاتە خەتخۇشىتكى بە ناوبانگىش بىووه و چەند كتىپىتكى بە خەتى خۇش خۇي نووسىيەتەوه كە يەڭى لەوان كتىپىن: «دەلایلۇلخەيرات» سەيد تاھيرى سەيدزادەتىپەتەنەن لە رىتكەوتى ۱۳۷۰/۴/۲ رۆزى جىئىزنى قورىبان لە شارى كرماشان كۆچى دوايسى كردووه. و تەرمەكەت لە دەولەتتىداوا نىزىراوه.

بهشی دووههمن
خوتندنهوهي وانهی ۸

هاواره بهره

هاواره بهره رومانیکه به شیوه ریالیستی. کاک فهتاج (ی) نه میری نووسه‌ری بؤکانی نه رومانه نووسیوه. هاواره بهره رووداویکی تایبیدت به بهشیک له نیشتمانه که مان ده گیریتله و پره له وشهی جوان و رسنه نی لادنیمه کانی موکریان. نه رومانه له دوو به رگدا چاپ کراوه و به رگی دووهه من له لایمن نووسه رههه «میرزا» ناو نراوه. زمانی نه رومانه زور شیرین و پاراوه و کاک فهتاج جگه نهودی خوتنه دان فیتری زور وشه و زاراوه تایبیدتی گوند مکان دهکا، وشه گه لینکی زوریش که پیوهندیان له گهان کده سه و شامرازی کشت و کال و نازه لذداری له رابوردوودا بیوه له فه راموش بیون و نه مان رزگار دهکا. نیرمدا بق نمونه چهند دیرنک نه و کتیبه به نرخه دخهینه به رچاوی خوتندکاران:

نیوه بقی روزنکی مانگی بانه مهده، مه رله پالین دایه، مه ر پشتی گه درم داهاتووه، شوان خه ریکی ثان خواردن، ریخه مه ر ولاتی داگرتووه، جئ جن عه رزی خاوین به دهه ویه گه رچی تینی تاو کزی کردووه، دیسان رقیشتن به نیو دینا ناسان نییه، مه ر به ته اوی ته ده کی گرتووه، رینکه به بن پیلاوه وهه نووساوه، بقی به هار، تاوی به هار، مردووه زیندوو دهکاته وهه، چوله که یه ک جیک جیک دهکا، پیلیک میشه سه گانه قه لسنه له سه گیکی کوئنکن ده گیرن، ناهین چاوتک گه درم کا... یاره جل و جزوی تینک تاوه به دهه سه حمرا بن، هاویتری کردووه، ثانی خواردووه، مه حتنه لی نه ویه، مه ر هه ست پاشان وهی که وی. به رخ بور بیون. مه چه ک نه تستوور، ره نگی به رگنه که یان گویاوه. تاو ره نگی گوریوه. ره نگی سا ایی نین. نهود رزوری کردوون، هیندیک چلمن بیون، به عزیزک ریخن. نهوانی ساوازی هه روا ژیکه لهن. سه حدت سووک، خاوین، نه درم و نوی، سه پیشیان له بهر خاوین شه بیهق ددها. به رگنی نه درم و نویلوو، سه وردی زهرد، خه پال، قشمیلانه.

تمرینات درس ۸

- ۱- کلمات بیگانه در زبان گُردي چگونه نوشته می‌شوند و آیا این مختص زبان گُردي است؟
- ۲- کلمات زیر را با رسم الخط صحیح گُردي بنویسید.
عبدالالمطلب - صلاحالدین - توحفةالمُریدین - عبدالرزاق
- ۳- حروفی که دارای تشدید می‌باشند در گُردي به چه صورت نوشته می‌شوند ۵ مثال بنویسید.
- ۴- (ک) کلور را توضیح داده و برای آن ۳ مثال بیاورید.
- ۵- (گ) کلور را شرح داده و برای آن ۳ مثال بنویسید.

خودآزمایی (۱)

۱- در این جمله بر روی حروفی که لازم است علامت (۲) بگذارید.
کوریکی نازا له چومی معله‌ی دهکرد و کاله‌کی دهخوارد.

۲- در این عبارت چند حرف صدادار وجود دارد.
حسین عارف یه‌کیک له نووسه‌رانی گهوره‌ی کورده.
الف) ۱۴ ب) ۱۵ ج) ۱۳ د) ۱۱

۳- در کدامیک از کلمات زیر بزرگ‌که وجود دارد.
قرزال کاوه چاره‌سهری شورباو شوتی

۴- چرا حرف (ر) در کلمه روزان درشت است؟

۵- در کدامیک از کلمات زیر مصوت مرکب وجود دارد.
الف: خوین ب: سور ج: گویزان د: دزلمه

۶- حرف (و) در کلمه‌ی «که‌و» بیصدای است یا باصدای.

۷- حرف (ی) در کلمه شیوه‌ن بیصدای است یا باصدای.

۸- حرف (و) در کلمه گول بیصدا است یا باصدای.

۹- حرف (و) در کلمه بانه و مهربان بیصدا است یا باصدای.

۱۰- حرف (و) در کلمه‌ی بارام و پرورت بیصدا است یا باصدای.

۱۱- در کلمه‌ی (چووه) باید چند (و) وجود داشته باشد و چرا فقط با ۲ (و) نوشته می‌شود.

۱۲- در کلمه‌ی چوُل و هُول حروف صدادار کدامند بنویسید.

۱۳- در شعر پائین تعداد حروف صامت چندتا است.

مالئی نیمه کله لمه نوونکله کیمه
جیمه چن و دیمه به لسای زور پیمه

الف: ۱۲ □ ب: ۱۳ □ ج: ۱۱ . □ ۸: ۵

۱۴- صدای (ف) به کدام حرف بیشتر نزدیکتر است.

جدانویسی و سرهم نویسی کلمات

مبحث جدانویسی و سرهم نویسی کلمات مبحثی است که هم در زبان فارسی و هم در زبان گُردي در میان زبانشناسان و ادباء اختلاف رأی بسیار است. بخصوص در زبان فارسی این مقوله بسیار مفصل بحث شده و در کتب درسی هم به طور کلی تثیت نشده و هنوز هم گاهگاهی تغییراتی در کتابهای دبیرستانی و دانشگاهی بر این اساس می‌دهند. در رسم الخط گُردي دو نظریه متفاوت از هم وجود دارد و برای درک بهتر این نظریات ابتدا لازم است به شرح انواع کلمه پردازیم:

۱- کلمه ساده : کلمه‌ایست که از یک جزء تشکیل شده باشد و ممکن است مستقل باشد یعنی خود به تنها یی و

بدون کمک کلمه‌ی دیگر دارای معنی کامل و مختص به خود باشد. معنی کامل از این نظر که به کمک کلمه‌ی دیگر برای داشتن معنی محتاج نباشد و مختص به خود یعنی اینکه این معنی فقط مخصوص خودش باشد مثلاً درخت که کلمه ساده‌ی مستقلی است و در موقع شنیدن این کلمه جسمی را که دارای ریشه و ساقه‌ی نسبتاً ضخیم و شاخه و برگ است به نظر می‌آوریم که این صفات مختص به این جسم است.

کلمه مستقل نظیر:

ویتجه - دار - سبی - سینه‌ما - چوار - خهوتن - ئدو - زور.

چنانچه دقت کنیم یکی از اقسام کلمه هستند.

ویتجه و دار = اسم

سبی = صفت

ئدو = ضمیر

سینه‌ما = اسم

زور = قید

چوار = عدد

خهوتن = مصدر

۵- کلمه‌ی ناقص : به کلماتی گفته می‌شوند که به تنها ی دارای معنی نیستند و با کمک کلمات دیگر در جمله ادا می‌شوند مانند :

ادوات الحاقی - حروف اضافه - حروف عطف - ندا - نشانه.

۶- کلمه مرکب : کلمه‌ایست که از دو کلمه‌ی مستقل ساده یا یک کلمه مستقل ساده و یک کلمه ناقص تشکیل شده باشد که در حالت اول در گردی به آن وشهی لیکدر او و در حالت دوم به آن وشهی دارپژاو می‌گویند.

مثال برای کلمه مرکب که از یک کلمه ناقص و یک کلمه مستقل درست شده باشد (دارپژاو) : بیده‌نگ - باشترا. حال که با کلمات مستقل، ناقص و مرکب آشنا شدیم به شرح نظرات مختلف درباره‌ی جدانویسی و سرهم نویسی و نظر خودمان می‌پردازیم :

هر واژه‌ای که معنی مستقلی دارد باید بصورت جداگانه نوشته شود و واژه‌ای که دارای معنی ناقص است و با اضافه شدن با واژه‌ی دیگر صاحب معنی می‌شود و یا با پیوستن به واژه‌ی مستقلی معنی دیگری به غیر از معنی واژه‌ی مستقل

که به آن اضافه شده بوجود می‌آورد باید بصورت سرهم نوشته شود. لازم است در مورد سرهمنویسی و جدانویسی کلمات موارد زیر رعایت کنیم :

۱- افعال ساده در جمله بصورت جداگانه نوشته می‌شوند
مانند :

پیروت له بارامی دا
نیشتمان رویشت
رزگار کاری کرد

۲- کلمات مرکبی که از دو جزء معنی دار مستقل بوجود آمده‌اند و پس از ترکیب معنی تازه‌ای به وجود می‌آورند باید سرهم نوشته شوند.

ری + پیوان = ریپیوان
گوئی + گرتن - گوییگرتن

۳- پیشوند (پیشگر) و میانوند (نیوانگر) و پسوند (پاشگر) به کلمه می‌چسبند.

مانند : پیکه‌س - لیدوان - چاوینکه‌وتن - کارتیکردن - لهویدا - مسگه‌ر.

۴- صفت تفضیلی (ثاوه‌لناوی سه‌ری) به اسم پیش از خود می‌چسبد مانند: چاکتر - خوشتر - قوولتر - ترسه‌نوقتر.

چنانچه (تر) به معنی دیگر باشد باید جدا نوشته شود مانند: کاریکی تر - بدرخینکی تر - مالیکی تر - جاریکی تر.

۵- حرف عطف (و) که کلمات یا عبارات و جملات را بهم مربوط می‌کند به کلمه پیش از خود نمی‌چسبد.

مانند: بانه و مدریوان خوشن - رتبین و ناسوس بران.

ولی اگر حرف عطف (و) باعث بوجود آمدن معنای تازه‌ای در کلمه‌ی مرکبی که با کمک حرف عطف (و) بوجود آمده است، شود (و) به کلمه ماقبل خود می‌چسبد.
مانند: خرینگوهوپ - زرموکوت - ندرمونول .

۶- (ی) اضافه باید به کلمه پیش از خود بچسبد.
مانند: بوقانی - عیرفانی - خواردهمه‌نی

هیندی

نه شاعیره ناوی خالید کوری حاجی حمه‌دناغا، کوری حاجی عدوشاغا
و له عاشیره‌تی دیبوکریه و له سانی ۱۳۰۶ هـ تاوی له دیس شیخانی
سهر به شاری مه‌هاباد له دایک بوجه و له گوندی شیخانی و شاری مه‌هاباد
خوشنده‌ویه‌تی و شاره‌زاییه‌کی ته‌واوی له نه‌دهبی فارس و کوردی په‌یدا
کردوه و هدر له سه‌ردتای لاویه‌وه شیعه‌کوت‌سوه. هیندی له سانی
۱۳۴۲ هـ تاوی په‌ریوه کوردستانی عیراق بوجه و له ریزه‌کانی شورشی
کوردستانی نه‌ودیودا دهستی به خهبات کردوه و ماویه‌کی زور له نیزگه‌ی
شورش و کاروباری رووناک‌بیری کاری کردوه و پاش تیکچوونی شورش
گه‌راوه‌تموه نیران و له عه‌زیمیه‌ی که‌رهج نیشته جن بوجه و پاشان له سه‌در
داخوازی کاک مه‌سعود بارزانی چووه بؤ کوردستانی عیراق. نیستا له
شاری هه‌ولیتر دهبی و نه‌ندامی کوری زانیاری کورده و له لایه‌ن سه‌رؤکی
حکومه‌تی هه‌ریم پله‌ی هاوتابی و هزیری پندراءه.

هیندی شاعیریکی به ههست و ناسک خهیانه و له بواری شیعه‌ی جوانی و
عاشقانه بن‌وتنیه و شیعه‌ی نیشتمانیشی زور کوت‌سوه. به‌رهه‌من
چاپکراوی نه شاعیره مه‌زنه سن کتیبه: کاروانی خهیال(شیعه)
ناوتنه‌شکاو(بیره‌وه‌ری) و وه‌رگیرانی کتیبه کورد و کوردستانی واسیلی
نیکیتین له فارسی بؤ کوردیه. هیوادارین نه شاعیره ته‌مه‌نیکی زوری
تر بژی و هه‌روهه خزمه‌ت به کولتوور و نه‌دهبی نه‌ته‌وهکه‌ی بکا.

بەشی دووهەم
خویندنەوەی وانەی ٩

روشیدلە قەنادى

لىكۆنەر و نەديپى كورد «روشيد قەنادى» لە ساٽى ١٩٤٨ لە شارى دھۆك لە دايىبۇوه و خويندىنى خوي لە شارەكانى : دھۆك، ھەولۇر و سەليمانى و موسىل تەداوا كردووه و لە ساٽى ١٩٧١ بۇوهتە ئەندامى يەكىھىتى نووسەرانى كورد و هەر ئىستا ئەندامى كۈزى زانىيارى كوردە. نەو مامۆستايىھە لە بوارى لىكۆنەوەي نەدەبى ھەولىتكى زورى داوه و تا بە ئىستا نەم كىتىبانەي بە چاپ كەياندۇوه :

- ١- چەند تېرۈزىك لە سەر دۇزئىنەگەرىنى كوردى.
- ٢- عەنى تەرماخى يەكەمىن رېزمانان نووسى كورد.
- ٣- نەلھىو بلند فېرت (ھەنۇ بەرز دەفرى) كە لىكۆنەوەيەكە لە سەر شىعرە ئەتەوايەتىيەكانى مامۆستا ھەزار.
- ٤- كىتىبىنگى لە سەر شىعرى كلاسيكى كوردى.
- ٥- كىتىبىنگى بە زمانى عەرەبى لەبارەي خانىدا.

تمرینات در س ۹

۱- مشخص کنید در میان واژه‌های زیر کدامیک مستقل و کدامیک ناقص است.

تری - شدو - به - نده - هزار - بق - همان - کار - ان

میوان - پیاو - کج - دا - تر - چاو - نازا - گهر - چوار

واژه مستقل: شدو

واژه ناقص: بق

۲- در کلمات مرکب زیر واژه‌های مستقل و ناقص را مانند نمونه از یکدیگر جدا کنید :

نانوره سووره : ناور + ه + سوور + ه

خوتندموار	کریتکار	لیندان
ناشهوان	ناسنگار	پینکار
بریندار	رزودار	کوچوکان
چاوپینکهولتن	جوائز	خهو لینکهولتن

۳- عباراتی را که از نظر سرهم و جدانویسی نادرست هستند بصورت درست بنویسید.

- حمه‌نه‌نوکه‌ریم بین کمه‌وه بران.

- شنت خوش‌ترین و کون‌ترین شاری ئازربایجانی روزاوايه.

- بارام دوینی به وئ دا رقی.

- کاوه زوری له برآکهیدا.

- خدم سهري لئن دام و يارم قدت سهريکي لئن نه دام.

- عيل لهتى ده ردو ده واکم وا به لنيوی شه کمدره

- لئن دوان ووت ويزيکي زورمان لهو باره دا نه نجامدا.

- له گدلېم زور گدرم و گور بولو.

- حدوزه کهی بوكان قوولو بین به دوو ماسي تني دا خال له گدرنه

- لهو باره یه وه شتیکیتر نازانم باش تر وايه له تازاد بپرسی.

سجاوندی (نشانه‌گذاری)

مقصود از « نقطه‌گذاری » یا « سجاوندی »، به کار بردن علامت‌ها و نشانه‌هایی است، که خواندن و فهم درست مطالب را آسان می‌کند و در رفع بعضی ابهامات کمک می‌نماید.

۱. خال - نقطه (.)

نقطه در موارد زیر به کار برده می‌شود:

الف - در پایان جمله‌های کامل خبری یا انشایی، مانند:

- حسن، یکی از شاگردان خوب کلاس است.

- حسنه، یه کیک له قوتاییه باشه کانی پوله.

مبادا که ماشین تو را زیر بگیرد.

نده ک ماشین و بهرت دا.

ب - پس از هر حرفی که به صورت نشانه اختصاری به کار

رفته مانند:

ک.د. (کریم دافعی)

سال ۴۵۸ ق.م. (قبل از میلاد مسیح)

سالی ۴۵۸ پ.ز (پیش زایین)

یادآوری: هرگاه دو جمله کامل با «و» به یکدیگر عطف شوند، نقطه در پایان جمله دوم گذاشته می‌شود مانند:

از دوستم آزرده خاطر بودم و به همین جهت به خانه او نرفتم.

له ها والله کدم تورابووم و بقیه نه چوومه مالیان.

۲- کوما - ویرگول (،)

ویرگول نشانه توقف یا درنگ کوتاهی است که در موارد زیر به کار می‌رود:

الف - میان عبارت‌ها یا جمله‌های غیرمستقلی که در مجموع یک جمله کامل را تشکیل می‌دهند، مانند:

- پس از چند سال تنهایی، یک هفته پیش، با دختری ازدواج کرد.
- پاش چمن سال تنهایی، حمو توویه ک لمهه پیش، کچنیکی ماره کرد.

- زمستان امسال، با برف و سرما فرا رسید.

- زستانی نهوسال، به بهفر و سهرماوه هات.

- آن جا که آب هست، آبادی هست.

- هدر جتیه ک ئاوی بین، ئاوەدانیشی دەبین.

- هرکس ورزش کند، تندرنست می‌شود.
 - هر کس ورزیش بکا، تهدندرrost دهی.
 - روزه بگیرید، تا تندرنست شوید.
 - به روز و بن، هه تا تهدندرrost بن.
- ب - آن جا که کلمه یا عبارتی به عنوان توضیح در ضمن جمله یا عبارتی دیگر آورده شود، مانند:
- دیروز، روز عید فطر، به تبریز آمدم.
 - دوینی، روزی جیتنی رهمدان، هاتمه تهوریز.
 - سعدی، شاعر بلند آوازه، اشعار زیادی گفته است.
 - سه عدی، شاعیری بدناویانگ، شیعری زور کوتوه.
- ج - آن جا که در مورد چند کلمه استناد واحدی داده می‌شود.
- مانند:
- حسن، احمد و علی برادرند.
 - حه سه ن، ئه محمد و عه لی بران.
- سعدی، حافظ و خواجه از شاعران بلند پایه هستند.
- سه عدی، حافظ و خواجهو له شاعیره بدرزه کان.

د - برای جدا کردن اجزاء مختلف نشانی اشخاص یا مرجع و مأخذ.

- آقای علی رحیمی، دانشکده ادبیات، سال سوم.

- ناغای عدلی ره حبیمی، زانکوی تهدب، سالی سیهم.

- تبریز، خیابان امین، پاساز کریمی، انتشارات یاران

- تهریز، شهقامی تهمین، پاسازی کمریمی، تینتیشاراتی یاران.

- سعدی، گلستان، تصحیح دکتر خلیل خطیب رهبر، انتشارات صفوی علیشاه، تهران ۱۳۶۳.

- سعد عدی، گلستان، ساغکردنوهی دوکتور خمه لیلی خه تیپ رهبر، تینتیشاراتی سه فی عدلیشا، تاران ۱۳۶۳.

۲- کوئای خالدار - نقطه و ویرگول (۴)

نقطه - ویرگول، علامت وقف یا درنگی است بیشتر از ویرگول و کمتر از نقطه که در موارد زیر به کار می‌رود:

الف - برای جدا کردن عبارت‌های مختلف یک جمله طولانی که ظاهراً مستقل و لکن در معنی با یکدیگر مربوط

می‌باشند، مانند:

- مشک آن است که خود ببوید؛ نه آن که عطار بگوید.

— میسک ئوهه یه بؤخوی بؤنخوش بى، نەك عەتار پىنى
ھەلبلى.

— دوست واقعى آن است كه يار شاطر باشد؛ به بار خاطر.

— دوست ئوهه یه بتگرىيتنى؛ دوژمن ئوهه یه پىتپېتكەننى.

ب - در جمله‌های توضیحی مانند:

— و قاصدى نزد او فرستاد؛ قاصدى عاقل و نكتەدان.

— قاسىديكى نارده لاي؛ قاسىديكى ژير و قىسىزان.

ئە دوو خال = دو نقطە (:

موارد استفاده از اين علامت به شرح زير است:

الف - وقتى مى خواهند سخن کسى را نقل كىنند، مانند:

على از بازار آمد و گفت: انگور خوبى خريدهام.

عەللى له بازاره وە هات و كوتى : ترىيەكى باشىم كىرىيە.

ب - وقتى مى خواهند چىزى را شرح دەنند، مانند:

ما در مدرسه اين درس‌ها را مى خوانيم: تارىخ، فارسى،
حساب ...

ئىمە له قوتا بخانە ئەدو وانانە دەخويتىن : مىزۇو، فارسى،
حساب ...

ج - هنگام معنى كردن لغات، مانند:

اهمال : سستی

تیهمال : سستی

ذکاوت : زیرکی

زه کاوهت : زیره کی

۵- جووت کهوان - علامت نقل قول یا گیوه («....»)

این علامت موقعی به کار می رود که بخواهیم عین سخن با

نوشته کسی دیگر را بیاوریم، مانند:

آموزگارم می گفت: «درس هایت را خوب بخوان.»

ماموستام کوتی: «وانه کانت باش بخوینه.»

۶- کهوان - پرانتز ()

وقتی می خواهیم مطلبی را توی جمله شرح بدھیم آن را توی

پرانتز می گذاریم مانند:

- مجانون و لیلی (یکی از مشنوهای هفت اورنگ جامی) به

تقلید از لیلی و مجانون نظامی سروده شده است.

۷- نیشانه‌ی پرسیار - علامت سؤال (?)

وقتی جمله صورت پرسشی (سؤال) را داشته باشد، علامت

پرسش (?) به کار می برم. مانند:

- شما در کدام مدرسه تحصیل می کنید؟

- نیوہ له کام قوتا بخانه ده خویتن؟

- من در مدرسه ایمان تحصیل می کنم.

- من له قوتا بخانه ئیمان ده خویتم.

- در کدام کلاس؟

- له کام پول؟

- کلاس چهارم.

- پولی چوارم.

۸- نیشانه سه رسورمان - علامت تعجب (؟)

این علامت نشانه تعجب است و برای حالات عاطفی، ندا، و تأکید و تحسین نیز بکار می رود مانند:

- عجب باع دلگشاپی است!

- ج با غنیکی خوش!

- عجب خانه قشنگی است!

- ج خانوویه کی جوانه!

۹- کۆمه نه خال - نقاط تعلیق (...)

وقتی سخن به مناسبتی قطع شود یا ناقص بماند، برای نشان دادن بریدگی کلام باید نقاط تعلیق (...) به کار برد. چه در اول و چه در آخر عبارت باشد مانند:

- او دارای صفات حسن‌های نظری شجاعت، سخاوت و... می‌باشد.

- ئەو خۇو و خىدەتى باشى وەك : ئازايىتى، سەخاوت و ...
ھەيدە.

- ... و حالاً تصمیم گرفته‌ام که به کسی ارفاق نکنم، همین
یک بار کافی است که...

- ... ئىدى بېپارم داوه چاکە لەگەل كەس نەكەم، هەر ئەدو
يەكچارە بەسى ...

ناله‌هی جودایی

کتیبی ناله‌هی جودایی یه‌کیک له دوو کتیبه شیعره‌که‌ی سه‌ید
محه ممه‌دنه‌مین^(۵) شیخولی‌سلامی ناسراو به مامؤستا هیمن^(۶) که له
چهند پارچه شیعری مه‌سنه‌وی و غه‌زه‌ل و دوویه‌یتی پیکه‌اتووه. به‌رزنترین
شیعری نه‌م دیوانه مه‌سنه‌وی ناله‌هی جوداییه. شاعیر له‌م شیعره‌دا ده‌رد و
ذانی دووری و جودایی له زید و مه‌لبه‌ند و خیزان و هاوائانی به
شیوه‌یه‌کی به سوز ده‌بریووه. لیزه‌دا به‌شیک له‌م شیعره به‌رزو بُو وتنه
دینیته‌وه :

کوردمواری نه‌ی ونانه جوانه‌که‌م
روانه‌که‌م، باوانه‌که‌م، خیزانه‌که‌م
نه‌ی نه‌وانه‌ی قه‌ت له‌بیرم ناچنده‌وه
ئیسته بمعیین، نه‌ری ده‌مناسنده‌وه
روزگار هاریمی وک نه‌سپونی ورد
تاو و تینی لیزه‌ریوم ده‌رده کورد
ده‌ردی دووری ده‌ردی دووری کوشـتـمـی
ده‌ردی وشیاری و سه‌بـوـورـی کوشـتـمـی
ده‌ردی یاران و ونانی خوشـهـوـیـستـیـ
لیزه‌ریوم سه‌بر و هوش و تاو و بـرـسـتـیـ
ناله نالـمـ تـیـکـهـ نـهـیـ مـهـیـ کـرـدـوـوـهـ
شـیـوهـنـیـکـمـ پـیـنـهـ نـهـیـ نـهـیـکـرـدـوـوـهـ

نالىھ نالىھ مىن درەنگە زوو نىيە
پارچە گۆشىتىكە دلىھ مىن رwoo نىيە
نالىھ نالىھ مىن رهوايىھ نۇد رهوا
چونكى قانۇونى تەبىعەت وايىھە و
ھر كسى كۈ دور ماند از اصل خوش
باز جوىيد روزگار وصل خوش

تمرینات درس ۱۰

متن و جملات زیر را نشانه‌گذاری کنید.

سینوزا □ فیلسووفیکی فه رانسیه‌ی ده تی □ نیمه نه‌گذر بماندوانی مسدله‌ی شهر
 چاره‌سر برکین □ زور هاسان گوشنه نیگامان ده‌گزوری □ تیپروانینه کانسان جیاواز
 دبیت و لهوانه‌ی نه و شربی که ماهیه‌ته که یمان به شدر له قه قدم ددا □ به
 چاکه و درسووری □ هدایت نهود له میژوودا زور جار که لکی خراپی نیوه‌گیراو □

(عهد و لخالقی ید عقووبی : سروهی ژماره ۲۳۵)

بارام به پیروتی کوت □ هاواتی باش ندویه بارت لی سوک کا □ نه ک بارت لی قورس کا □

ماهستا سه‌بک و شیوازی رومان ندوسین لای نیوه چیه □
 من هدر له سه‌ره تاوه باودم وابوه □ که سه‌رده‌ی بتو رومانی ریالیزمه □ که
 ندوش بینکومان زور شیوه‌ی هدیه □
 و توویزیک له گدل چیر و کنووس حوتین عارف
 مسته‌غا تیلخانی زاده

گنقاری □ سروه
 ژماره ۲۱۶ □ پاندمدری ۱۳۸۳

نازاد تاریضی کاوهی دهکرد و دهیکوت □ پهان پیاویکی میهربانه □ همه موکه‌س
 خوش دهی □
 نالی □ نه و وحش غه‌زاله که من و بدرو داوی نه‌کدوت □
 چونکه شاهیننی دوچه‌اوی تیزه □ دایسم سه‌ر نه کا □

نکاتی را که باید در نوشتمن یک متن رعایت کنیم:

- ۱- آنرا با رسم الخط (ریتووس) درست بنویسیم.
- ۲- نکات دستوری را رعایت کنیم.
- ۳- از نشانه‌های نگارشی استفاده کنیم.
- ۴- بهتر است جملات کوتاه باشند و تا می‌توانیم از بکار بردن جملات دراز خودداری کنیم.
- ۵- از نوشتمن کلمات نامأنوس و مجعلو خودداری کنیم.
- ۶- تا می‌توانیم از کلمات سره(پهتی) گُردی استفاده کنیم.
- ۷- بطور خلاصه در نگارش و نوشتمن انشاء و مقالات این سه اصل مهم را رعایت کنیم:
 - الف: کوتاه و مختصر و مفید باشد.
 - ب: مقصود را به روشنی بیان نماید.
 - ج: ملال آور و خسته کننده نباشد.

سن که من له شاعیرانی نیلام و کرماشان و گوران (نه‌هلی حق)

غول‌امره‌زاخان (ی) نه‌ركه‌وازی

غول‌امره‌زاخان خه‌نکی نه‌ركه‌وازی سه‌ر به نیلامی پشتکوبه له دوره‌ی
له تجهه‌لیشای قاجاردا زیاوه و راوی‌ترکاری حه‌سدن‌خان (ی) والی پشتکو
بووه. نه‌م گهوره‌پیاوه له نه‌دهبی عه‌دهبی و فارس و کوردي شاره‌زاییه‌کی
ته‌واوی بووه و بمه زمانانه شیعري کوتوروه. موناجات (پارانه‌وه) که‌ی
نه‌ركه‌وازی روز به ناویانگه و به یه‌کیک له موناجاته هه‌رہ باشه‌کانی
نه‌دهبی کوردی ده‌ژمیردری. کوچی دوایی نه‌م گهوره‌پیاوه به دروستی
نه‌زانراوه.

شامی کرماشانی

شامورادی موشتق ناسراو به (شامی کرماشانی) یه‌کیک له شاعیره باش و
به ناویانگه‌کانی ناوچه‌ی کرماشانه. نه‌و شاعیره له دوره‌ی سانی
۱۲۰۰ ی کوچی هه‌تاوي له گه‌رده‌کی چه‌نانی شاري کرماشان له دایک بووه.
نه‌و شاعیره له ته‌مه‌نی سن سانیدا به هوی نه‌خوش ناوته (خور و ترکه)
کوئبر بووه و پاش ماویه‌کی که‌م نه‌م رووداوه دایکیشی کوچی دوایی دهکا و
له خوش‌ویستی و لاواندنه‌وهی دایک بی‌به‌ش دهبی و له دوازده سانیدا
باوکیشی کوچی دوایی دهکا و شاموراد تووشی زیانیکی پر له تائی و
کوئبره‌وهی دهبی. ماویه‌ک له مائی مامؤذنی و ماویه‌ک له مائی حاجی
نه‌مانو نسلاخان (ی) موعته‌زیلی دهبی و هسوگری به شیعري «مه‌لا

نەئماشخان» و «غۇنامەرەزا پۇور» و «سەيد سەلاح» پەيدا دەكىا و ورده ورده دەس بە شىعر كوتىن دەكىا. ھەر لەو سەردەمانىدا، لە ماڭى نەمانۇئىلاخان دىتە دەرى و بۆخۇي خەرىكى كاروكاسېنى دەپىن. ھېنديك لە شىعەرمەكانى شامى كۆكراونەوه و بە ناوى «چەپكە گول» لە لايەن بىلاوکەرەھوەى سررووش لە ساتى ۱۳۶۲ لە چاپ دراون و مامۇستا ھەۋار پېشەكىيەكى جوان و بە نرخى بۇ نەم دىيوانە نووسىيە. شامى گەرچى كۆچى دوايى كرددووه بە ئام ھەميشە لە ناو دلى گەلەكمە دايە. شىعە درېزەكەي «كراشىينى» ويردى زمانى ھەمبو ھەۋاران و لايەنگاران نەداران و سەم لېتكراوانە.

سەيد يەعقولوب ماھىيەشتى (سەمى ياققۇ)

نەو شاعىرە كە لە ھۆزى گۇران و پەيپەھوی ئايىنى «ئەھلى حەق» كە «يارسان» و «كاكەيىن» شى پىندەكوتىرى. مامۇستا عەلانەددين سەججادى لە كىتىبىن «مېتزووى نەدەبى كورد» دا مېتزووى لە دايىكبۇونى سەمى ياققۇي ۱۳۲۸ كۆچى مانگى و ساتى وەفاتى ۱۳۰۱ كۆچى مانگى نووسىيە. لە دىتى قەمشە لە دايىكبۇوه و گلڭىزى ھەر لەو دىيەيە. شىعەركانى سەيد بە شىوازى خەزەل و مەسىندەوي و چوارخىشتەكىين و زۇر رەوان و جوان و پىر مانان و بە زاراوهى گۇزانى و كەنۋىي و سۈزانى كوتۇيەتى و لە چەند غەزەلدا پېشوازى (ئىستېقبال)ى لە شىعەنى ئالى كرددووه. سەمى ياققۇ بە زمانى عەرەبى و فارسىيىش شىعەنى كوتۇووه. لېرەدا غەزەلەك لە غەزەلە جوانەكانى سەيد دەخەينە بەر چاوى خوتىنەران:

عه زیزان ماه رو خساری ژ قهوسن نه بروان تیری
وه جه رگم ناشنا که ردمن نه داره هیچ ته قسیری
وه ناخون سینه شوم که ردم و هشانم تو خمن میهري نه و
وه داس نه بروان درویم جگه کردم و ه قه نسیری
سن ساله پاسبانی که م ژ دوری خه رمه نتی حونست
ژ سه دهن خه رمه نتی گونا جه او ناده له و ه رزیزی
ژ عه قل و عیشق حهیرانم نه زانم قهول کامین که م
نه عیقشم پیم نه دا موهلت نه عه قلم کات ته دبیری
سه گی پاسی سه رایی سه ردادان نه دمن نانه ش
من عمری پاسه بانیم کرد چلونه تو که دلگیری
روخی زیبای شیرین بی و خوونن کوکه ن باعیس
وه ها سه بیاد ته دهس بی (سه یلد) به رچی و هنچه خچیری

چهند قسمیه کله‌گه لخوینه‌ری نه و کتیبه

فیربیونی خوشنده و نووسینی زمانی زگماکی مافی همه مو که سینکه. بؤمه فیربیونی زمانی کوردی بؤمه مو کوردیک پیوسته. نیستاکه نیوه خوشندن و نووسینی زمانی کوردی به باش و به شیوه‌یه کسی زانستی فیربیون، نه رکی سرهشانی همه مو تانه بؤپه ریتدانی زمانه‌که تان، تیکوشن و هدر بهوه رازی نه بن نیوه فیری خوشندن و نووسینه‌وهی کوردی بعون. بؤنه‌وهی باشترا شاره‌زای زمانه‌که تان بن و نه ووهی فیری بعون له بیرتان نه چیته‌وه، پیوسته کتیبه به که لکی کوردی بخوشنده و تا ده‌توانن بؤه اوالان و خزماتان به زمانی کوردی نامه بگوئنه‌وه و بؤکوشار و روزنامه کوردیکه کان و تار بنووسن و شت له زمانه‌کانی دیکه را بؤکوردی و درگیرن.

ودرگیران سوودی بؤ زمانه‌که خوقتان و زمانه بیانیه‌که همیه. هروده‌ها ههولن بدنهن له خونه‌کانی سه‌رتی فیرکاری کوردی به شداری بکمن و نه و شستانه‌ی فیری بعون، فیری هاوایان و خزماتی بکمن و بهو کاره به شیوه‌یه کسی ههراو خزمه‌ت به په‌ره‌پندانی زمانی کوردی دهکن.

نه نیما به ههولن و تیکوشانی همه مو لاینه و دلسوزانه ده‌توانین له ماوهیه کسی که‌مدا، دواکه‌وتتمان لهو بواره‌دا قهربه‌بوبو بکهینه‌وه.

ده‌بین نه ومه بزانین فیربیونی خوشندن و نووسین و نه‌دهبی زمانی زگماکی بؤ فیربیونی زمانه‌کانی دیکه‌ش سوودی همیه و هدرکه‌س ریتسووس و ریزمانی زمانی زگماکی خوی به باشی بزانی ده‌توانی باشترا فیری ریتسووس و ریزمان و نه‌دهبی زمانه‌کانی دیکه‌ش بیسی. به تاییه‌ت له بهو نه ووهی زمانی کوردی و فارس دوو زمانی هاویشه و لینک نزیکن فیر بعون و زانینی هدریه‌کا له دوو زمانه کاریگه‌ریمه‌کی رزوری له سه‌ر فیربیونی زمانه‌که‌ی دیکه همیه.

خزمه‌تکاری زمان و نه‌دهبی کوردی : مسته‌فا نیلخانی‌زاده

خودآزمایی (۲)

- ۱- آیا همزه یک حرف صامت است؟
بلی خیر
- ۲- آیا حرف (ی) در کلمه‌ی پهنیر صامت است؟
بلی خیر
- ۳- آیا حرف (ی) در کلمه‌ی (کهی) مصوت است؟
بلی خیر
- ۴- آیا حرف (و) در کلمه‌ی (کور) صامت است؟
بلی خیر
- ۵- حرف (ک) در کدامیک از کلمه‌های زیر کلور(اجوف) است؟
کاله ک کیله کاور کارگ
- ۶- حرف (گ) در کدامیک از کلمه‌های زیر پر است؟
گاران گیسک گیشه گویز
- ۷- تعداد حروف صامت در کلمه‌ی شارویزان کدام گزینه است؟
 ۶ ۴ ۳ ۵
- ۸- حرف (ل) در کلمه‌ی گولان درشت (قدلهو) است؟
بلی خیر
- ۹- حرف (ر) در کلمه‌ی گاران خفیف (لاواز) است؟
بلی خیر
- ۱۰- حروف مصوت کلمه‌ی گویلک کدام عدد است؟
 ۳ ۲
- ۱۱- کدام گزینه زیر طرز صحیح نوشتن (مذمت) با تلفظ و رسم الخط
گُردی است.
- مذمت مهذہمہت مهْزہمَهت
- ۱۲- حروف مصوت کلمه‌ی ئهویندار کدام گزینه است.

الف - م . و . ن . ا □ ب - م . ب . ا □ ج - ن . ب . ا □
کدامیک از عبارات زیر از نظر جدانویسی و سرهمنویسی صحیح
نوشته شده است :

بازار له کورهکانی تر زیرمکتره، به دلگذرمن، وانهکانی دهخوینن و نهگهان پیروت و
نانزاد، همه مو و روزی ده چنه بازاری ناسنگه رمکان و گورجو گول دمگه رتنده و.

بازار له کورهکانی تر زیرمکتره، به دل گذرمن، وانهکانی دهخوینن و نهگهان پیروت و
نانزاد، همه مو و روزی ده چنه بازاری ناسنگه رمکان و گورج و گول دمگه رتنده و.

بازار له کورهکانی تر زیرمکتره، به دلگذرمن، وانهکانی دهخوینن و نهگهان پیروت و
نانزاد، همه مو و روزی ده چنه بازاری ناسنگه رمکانو گورج و گول دمگه رتنده و.

در پاراگراف زیر نشانه‌های نگارشی را در داخل مربعها قرار دهید.
وک دهیستین نالی له قه واره شیعری کی عه رو وزیدا □ له قه واره شیعری کی
قایفه داردا □ که همه مو ده زانین زور جاره نگه شاعیر بکه و نه ناو ته نگانه □ به
بونه قایفه ووه □ چه نده به شیوه کی رنگوینک و به شیوه کی جوانی ناسانه باسی
له مدهله چاوه کرد ووه □

سینوزا □ فیلسوفیتکی قه وانهی ده تی □ نیمه نهگه بر بماند و مدهله شه بر
چاره سه ریکهین □ زور هاسان گوشه نیگامان ده گوین □ تیپروانینه کانسان جیاواز
دینیت و نهواندیه نه و شه رهی که ماهیه تکه یمان به شه له قه نام دادا □ به چاکه
ورسووری □ هه تیهت نه وله مینژوودا زور جار که لکی خراپی نیوه رگیراوه □